

گستره‌ی ژئوپلیتیکی رقابت‌های ایران ساسانی با روم شرقی و تأثیر آن بر مرزها و مسیرهای تجاری

علی یگانه، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران
احمد کامرانی فر، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول)*
محمد رضا قلیزاده، استادیار گروه تاریخ دانشگاه خلیج فارس.

چکیده

هرچند تا اواخر قرن اول میلادی دریای مدیترانه تبدیل به یک دریای کاملاً رومی شد؛ اما طی ادوار بعد، به دنبال برآمدن ساسانیان؛ نظر به این که آنان خواهان بازپس‌گیری سرزمین‌های نیاکانشان شدند؛ رویارویی این شاهنشاهی با بیزانس اجتناب‌ناپذیر شد. ساسانیان با توسعه و تحکیم تسلطشان بر حوزه‌ی سیاسی- تجاری خلیج فارس بخش مهمی از اصلی‌ترین محورهای مواصلاتی و تجاری دنیای باستان را در دست داشتند. این در حالی بود که در سرحدات دو حوزه‌ی دیگر، یعنی از بین‌النهرین تا سواحل شرقی مدیترانه و منطقه‌ی عمومی قفقاز نیز بر سر به دست‌گیری اصلی‌ترین منزلگاه - رباط‌های متنازع فیه، با سیاست تهاجمی خود، رقابتی مجدانه در مقابل بیزانس را دنبال کردند. این پژوهش بر آن است تا با روش توصیفی- تحلیلی به علت و عوامل اصلی برخوردهای ایران و بیزانس در میان دو دریای مدیترانه و خلیج فارس بپردازد. در راستای پاسخ به این پرسش است که بحث اهمیت ژئوپلیتیکی و تجاری- اقتصادی مناطق مورد مناقشه به میان می‌آید. همچنین نشان داده خواهد شد که چگونه موقعیت ژئوپلیتیکی این سرزمین‌ها، دو قدرت بزرگ آن دوران را به یک سلسله نبردهای زمینی و دریایی کشاند.

واژگان کلیدی: ساسانیان، بیزانس، مدیترانه، خلیج فارس، تجارت.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۶/۰۵

E-mail: kamranifar43@yahoo.com

مقدمه

از هنگامی که رود فرات در میان‌رودان طی مذاکرات سال‌های ۶۶ تا ۶۹ میلادی به‌عنوان مرز میان ایران و روم به اشکانیان تحمیل شد، امپراتوران رومی در اجرای سیاست‌های توسعه‌طلبانه‌ی خود، به‌ویژه از اوایل قرن دوم میلادی، بارها به قلمرو ایران اشکانی لشکر کشیده و حتی چندین بار موفق به گشودن تیسفون (Ctesiphon) پایتخت اشکانیان شدند. سپتیموس سوروس (۲۱۱ - ۱۹۳ م Septimius Severus) پس از لشکرکشی به بین‌النهرین خود را پارتیکوس آدیابنیکوس (Particus Adiabenicus) نامید که می‌توان آن را در راستای سیاست رومیان برای تسلط کامل بر حوزه‌ی شرق مدیترانه ارزیابی نمود. نکته‌ای که نشانگر اهمیت تسلط یافتن بر مرزهای شرق مدیترانه در سیاست رومیان است.

با شکست اردوان (Ardavan) آخرین پادشاه اشکانی، در سال ۲۲۴ از اردشیر (Ardasir) و تشکیل سلسله‌ی ساسانیان در ایران، برگ جدیدی در تاریخ روابط ایران و روم ورق خورد. هرودیان مورخ رومی می‌گوید: «اردشیر اظهار داشت از زمان کوروش که فرمانروایی را از مادها به پارس‌ها انتقال داد؛ تا زمان داریوش که اسکندر مقدونی پادشاهی او را ویران کرد؛ سراسر کشور تا یونیه (Ionia) و کاریه (Caria) تحت حکومت فرمانروایان پارسی بوده است» (Herodian, 1970: 2/91). در چنین شرایطی که حکومت جدید خواستار بازپس‌گیری میراث نیاکان خود بود، تقابل و رویارویی ایران ساسانی و رومیان امری اجتناب‌ناپذیر به حساب می‌آمد. درحالی‌که تقابل و رویارویی ایران و روم در قرن‌های سوم تا پنجم میلادی بیشتر بر محور زمینی در دو حوزه‌ی بین‌النهرین علیا تا سواحل شرقی مدیترانه و منطقه‌ی عمومی قفقاز در جریان بود؛ اما از سال‌های میانی قرن ششم میلادی بخش مهمی از گرانیگاه این نبردها بر روی دریاها نیز کشیده شد. در مقاله‌ی حاضر ضمن طرح این پرسش اصلی که گرانیگاه رقابت‌های ایران ساسانی در چه مناطق و نواحی‌ای قرار داشت؟ به پرسش‌های فرعی‌تر علل و عوامل این درگیری‌ها و شناخت و معرفی نحوه‌ی کارکرد اصلی‌ترین منزلگاه‌ها در طول سرحدات طرفین نیز پاسخ داده خواهد شد. در پاسخ به پرسش‌های فوق، این فرضیه پی گرفته می‌شود که در تمام دوران رقابت‌های ایران و بیزانس گرانیگاه اصلی رقابت‌های سیاسی-تجاری طرفین در منطقه‌ی میانی بین‌النهرین علیا تا سواحل شرقی مدیترانه به‌عنوان منطقه‌ای ژئوپلیتیک (۱) و حائز اهمیت قرار داشته است. از همین روی به دنبال جنگ‌های بی‌پایان طرفین در این منطقه، اصلی‌ترین منزلگاه‌ها و شهرها یا پادگان‌های مستقر در طول سرحدات "میانی"، همانند رباط-هایی با ماهیت نظامی-

اقتصادی عمل می‌کردند. همچنین نشان داده خواهد شد که در نواحی مهم گرجستان و ارمنستان نیز به تدریج همین نوع مناسبات میان بیزانسی‌ها و ایرانیان شکل گرفت و سرانجام طی قرن ششم، در اثر این نبردهای مداوم بخشی از مرکز فرار تجارت ناگزیر طرفین؛ به مسیرهای دریایی که اصلی‌ترین بخش آن کاملاً در سلطه‌ی ایرانیان قرار داشت انتقال یافت؛ مسئله‌ای که از خلال آن ظهور قدرت جدیدی در دل صحاری عربستان را پدید آورد.

تاکنون درباره‌ی مناسبات و رقابت‌های سیاسی-اقتصادی میان ایرانیان با روم و بیزانس تحقیقات گسترده و ارزشمندی از سوی محققینی نظیر: وینتر و دیگناس، (۱۳۸۷)، «روم و ایران؛ دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی»؛ پیگولفسکایا، (۱۳۹۱)، «ایران و بیزانس در سده‌های ششم و هفتم میلادی»؛ آلت‌هایم، (۱۳۶۹)، «کمک‌های اقتصادی در دوران باستان»؛ آلت‌هایم و استیل، (۱۳۹۱)، «تاریخ اقتصاد دولت ساسانی»؛ شیپمان، (۱۳۹۰)، «مبانی تاریخ ساسانیان»؛ شاپور شهبازی، (۱۳۸۹)، «تاریخ ساسانیان» به انجام رسیده است. همچنین مقالات متعددی با محوریت تجارت یا راه ابریشم و جنگ‌های ایرانیان با رومی‌ها نظیر: حسین طلایی و جرفی، (۱۳۹۴)، «واکاوی شاخص‌های تأثیرگذار بر مناسبات مرزی شاهنشاهی ساسانی و امپراتوری بیزانس در قرن پنجم میلادی»؛ قدرت دیزجی، (۱۳۹۵)، «تأثیر جنگ‌های ایران و بیزانس (۶۰۳ تا ۶۲۸ م) در فروپاشی دولت ساسانی»؛ رضا، (۱۳۷۶)، «نقش ایران در جاده ابریشم تا پایان عهد ساسانی»؛ پاتس، (۱۳۹۳)، «باستان‌شناسی و تاریخ اولیه خلیج فارس» منتشر شده است؛ اما به نظر می‌رسد چگونگی عملکرد قوای رقیب ایرانی-رومی در گستره‌ی سه حوزه‌ی جغرافیایی و تعیین اصلی‌ترین گرانیک‌ها این رقابت‌ها و به‌ویژه چگونگی تأثیر این کشمکش‌ها بر نحوه‌ی عملکرد منزلگاه‌ها و پادگان‌های واقع شده در سرحدات طرفین در یک پژوهش پیوسته مورد بحث و مذاقه قرار نگرفته است. در اینجا با پیش کشیدن اهمیت ژئوپلیتیکی منطقه‌ی میانی "هلال خصیب" تلاش خواهد شد تا با استفاده از روش تاریخی و توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای مطالب مقاله‌ی حاضر تدوین و ارائه گردد. بدین منظور توجه پایه‌ای به اسناد و منابع اصلی و مطالعه‌ی منتقدانه‌ی تحقیقات جدید مورد تأکید خواهد بود.

نگاهی به گستره‌ی جغرافیایی سرحدات و مسیرهای مناقشه برانگیز

برای شناخت و ارائه‌ی تحلیلی عمیق از نحوه‌ی روابط و چگونگی تعامل و دلایل جنگ‌های ایران و روم باید گفت: جهان در دوران باستان، حداقل پس از عصر اشکانی، میان دو قدرت روم و ایران

تقسیم می‌شد. این رویکرد از نظر قدرت نظامی و تقسیم منابع اقتصادی قابل بحث و بررسی است. بدین معنا که برای تقسیم منابع جهان در دوران مورد بحث میان این دو قدرت، یک رقابت بزرگ و گسترده در راه‌ها و منزلگاه‌های پیرامونی و درونی اصلی‌ترین بخش‌های ربع مسکون در جریان بوده است.

در این میان به نظر می‌رسد که سرزمین ایران به لحاظ جغرافیایی از جایگاه ویژه و برجسته‌ی ژئوپلیتیکی برخوردار بوده است. در حالی که عموماً رومی‌ها نسبت به آن سوی فرارودان (ماوراءالنهر) و اقیانوس هند هیچ‌گونه دسترسی و شناختی نداشته‌اند، ایرانی‌ها طی همین دوران با سرعت و گستردگی، سرگرم بسط نفوذ سیاسی- فرهنگی خود و مراودات وسیع سیاسی- اقتصادی با این دو سرزمین پراهمیت بوده‌اند. به عبارت دیگر ایرانیان از دل صحاری ترکستان تا مغولستان (آسیای میانه) با چین و نیز از طریق اقیانوس هند و منطقه‌ی قندهار و تنگه‌ی خیبر با هندوستان در ارتباط بودند (لوکونین، ۱۳۸۹: ۱۴۵-۱۳۸). در حالی که رومی‌ها به هیچ‌روی به شرق دور و هند دسترسی نداشتند؛ ایرانیان در مرزهای غربی و شمال غربی امکان رقابتی گسترده با رومی‌ها و سهم خواهی از آنان را دارا بودند. از این‌روی از مرزهای غربی تا شمال غرب، مهم‌ترین خطوط مرزی، دائماً در حال تغییر و دست‌به‌دست شدن میان این دو قدرت هستند. به نظر می‌رسد شناسایی و تبیین ویژگی‌های این نواحی، در اصلی‌ترین محور این کشمکش‌ها، از سواحل مدیترانه تا کناره‌های فرات، به منظور شناخت عمق و گستره‌ی این رقابت‌ها، مسئله‌ای مهم برای تبیین استراتژیک این منطقه خواهد بود.

در تکمیل آنچه گفته شد باید اذعان کرد در این منطقه دو رشته مرزهای خشکی و دریایی را می‌توان مورد بازشناسی و بررسی قرار داد: از یک سو بندرها و پایانه‌های نظامی- تجاری در سواحل شمالی و جنوبی خلیج فارس و حتی جزایر این آبراهه قرار داشته‌اند که از طریق تنگه‌ی هرمز و سپس دریای عمان و اقیانوس هند تا دریای سرخ و از آنجا تا حدود پایانه‌ی مهم اسکندریه با یکدیگر مرتبط و خطوط فرضی تجاری- نظامی دریایی ایرانیان را به تدریج شکل دادند. از سوی دیگر در حوزه‌ی راه‌ها و پایانه‌های نظامی- تجاری شکل گرفته در خشکی به‌ویژه از منطقه‌ی بحرین، حدود بصره و سپس میانرودان، حیره تا شامات و سواحل مدیترانه بخشی از گرانیگاه این راه زمینی خواهد بود. لازم به یادآوری است طی ادواری شاخه‌ی دیگری از این راه نیز که از درون جزیره العرب تا به سواحل دریای سرخ و گاه سرزمین غسانیان، سوریه تا فلسطین امتداد می‌یافت قابل شناسایی است. البته در نواحی شمالی نیز بعدها به تدریج راه دیگری از فرارودان تا خوارزم، پس از گذر از قسمت‌های بالایی دریای کاسپین تا به گرجستان و ارمنستان و نهایتاً کناره‌های دریای سیاه شکل گرفت (میکل، ۱۳۸۱: ۵۵-۴۸).

جملگی این منزلگاه‌ها و راه‌ها طی دوران اشکانیان تا ساسانیان، تحت تأثیر رقابت میان اینان با رومی‌ها قرار داشته و گاه تغییرات ریزودرشتی، در اثر ورود دیگر عناصر، نظیر اقوام و مهاجمان بربر (۲) و بالا گرفتن رقابت در طول این مسیرها و منزلگاه‌ها پدید می‌آمد. در بلندمدت هر رشته از این راه‌ها دارای شاخصه‌ها و ممیزات ویژه‌ای شدند که می‌توانست به یکی از جنبه‌های اقتصادی-تجاری و یا سیاسی-نظامی و نظایر آن‌ها برجستگی بیشتری بدهد. از این‌روی غالب این راه‌ها در منابع و یا بعدها از سوی محققین بر اساس همین ویژگی‌ها نام‌گذاری شدند؛ چنان‌که مسیر تجاری که از سین کیانگ در ترکستان چین آغاز و نهایتاً کالاهای تجاری، خصوصاً ابریشم را به سرزمین‌های رومی می‌رساند به واسطه‌ی مهم‌ترین کالای مورد مبادله در این مسیر، جاده ابریشم (۳) نام گرفت.

در اثر سیاست‌های غیر پویا و تدافعی دوران انتهایی عصر اشکانیان که مقارن با اوج‌گیری قدرت رومی‌ها در شرق شد، رومی‌ها توانستند از کناره‌های مدیترانه، از مصر تا شامات و تا حدود میان‌رودان بسط استقرار و نفوذ دهند (ولسکی، ۱۳۸۶: ۲۱۶-۱۹۷)؛ اما با ظهور قدرت پیش‌رونده و تهاجمی ساسانیان به نظر می‌رسد دور جدیدی از اعمال قدرت و بازگشت به حوزه‌های سرزمینی در اراضی از دست‌رفته به‌منظور پیش برد اهداف اقتصادی-تجاری مدنظر قرار گرفت.

پی‌جویی سلسله نبردها، از دوره‌ی شاپور اول تا پایان زمامداری ساسانیان نشان‌گر استراتژی مشخص این پادشاهی به‌منظور تعیین حدود مرزی و تضمین عمق استراتژیک سیاسی-اقتصادی آن‌ها تا کناره‌های مدیترانه و به‌ویژه در حوزه‌ی جغرافیایی مشخصی از میان‌رودان تا شامات و آسیای صغیر است. در این میان باید تأکید نمود ساسانیان از میراث ناملوس و غیرمادی اشکانیان نیز سود جستند؛ میراث اشکانیان فقط شکست و عقب‌نشینی نظامی در مقابل رومی‌ها نبود، نفوذ در متن توده‌ها و اقوام محلی از ارمنستان تا میان‌رودان، شامات، حجاز و یمن تحت تأثیر سیستم حکومتی غیرمتمرکز و متسامح آنان، به رشد هژمونی فرهنگی و اقتصادی اشکانیان در سطح منطقه کمک رسانده بود. پس‌ازاین ساسانیان با بهره‌مندی از این تأثیرات عمیق فرهنگی، توانستند برای تحکیم سیاست‌های پیش‌رونده‌ی نظامی و اقتصادی خود سودجویند (ولسکی، ۱۳۸۶: ۱۹۰-۱۸۳؛ ویزهوفر، ۱۳۹۲: ۷۷۶-۷۷۵). باید تأکید نمود علاوه بر اهمیت تجاری-اقتصادی سرزمین‌های مورد مناقشه، این نقاط دارای اهمیت نظامی نیز بوده‌اند. به‌گونه‌ای که در دست داشتن آن‌ها موجبات برتری نظامی برطرف مقابل را فراهم می‌آورد. به‌منظور ارائه‌ی تصویری روشن‌تر از اهمیت ژئوپلیتیکی و کارکردهای تجاری-نظامی نقاط مورد مناقشه، در ذیل به کم و کیف برخی از عمده‌ترین برخوردهای طرفین، در مهم‌ترین نقاط تلاقی مورد تأکید این پژوهش، اشاره خواهد شد.

نخستین رویارویی ساسانیان با رومی‌ها در دوران اردشیر اول طی فاصله‌ی زمانی ۲۳۰ تا ۲۳۳ میلادی اتفاق افتاد. اردشیر با ورود به سرزمین‌های رومی شده، نصیبین (Nisibis) را محاصره کرد و واحدهایی از سپاه ساسانی وارد سوریه و کاپادوکیه شدند (Herodian, 1970: 79-149). ارمنستان نیز از هجوم سپاهیان اردشیر بی‌نصیب نماند. منطقه‌ی قفقاز چه ایبری (Iberia) و چه ارمنستان در سیاست فی‌مابین از همان ابتدا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شدند. پادشاه پارتی ارمنستان تیرداد دوم در سال ۲۳۰ میلادی موردت‌هاجم قرار گرفت. متقابلاً الکساندر سوروس (Severus Alexander) قیصر روم از انطاکیه، حملاتی را در سه جهت علیه اردشیر سازمان‌دهی نمود و گروهی از سپاهیان رومی را برای کمک به تیرداد، به ارمنستان اعزام کرد. پس‌ازاین سپاهیان ارمنی در موضعی تهاجمی نسبت به ساسانیان قرار گرفتند؛ چنان‌که ادعاشده تا حدود تیسفون نیز پیش تاختند (Edwell, 2008: 155-156). سپاه دیگری از رومیان به بین‌النهرین حمله‌ور شد ولی بخش عمده‌ی نیروها به فرماندهی شخص امپراتور از مسیر جنوب و از طریق صحرای سوریه و دورا ائوروپوس (Dura Europos)، تیسفون را مورد تهدید قرار دادند. تهدید پایتخت توسط رومیان، اردشیر را بر آن داشت تا دست از محاصره‌ی نصیبین کشیده و بدان‌سوی حرکت کند. نبرد اصلی میان اردشیر و سپاهیان سوروس، احتمالاً با این سپاه صورت پذیرفته است (Dodgeon and Lieu, 1991: 13-28). این سلسله نبردها هرچند در این زمان بدون حصول به نتیجه‌ی قطعی به پایان رسید اما آغازی برای اقدامات گسترده‌ی بعدی ساسانیان جهت استقرار در مناطق مورد مناقشه بود، چنان‌که پس‌ازاین اردشیر، با استفاده از آشوب‌های روی‌داده در روم، پس از مرگ الکساندر سوروس، دست به حملات مجددی زد که درنهایت منجر به تصرف نصیبین، کرهه (= حران Carrhae) و هاترا (Hatra) شد (Maksymiuk, 2015:29).

بارزترین پیروزی ساسانیان بر سپاهیان رومی در دوران شاپور اول روی داد. گوردیانوس سوم (Gordianus) امپراتور روم از انطاکیه حرکت کرده و به‌قصد تصرف کرهه و نصیبین، در مجاورت شهر زئوگما (Zeugma) از فرات عبور نمود. پس از فتح کرهه، در محل رساینه (Rhesaina) نبردی در سال ۲۴۳ م درگرفت که پیروزی رومیان در این نبرد راه تصرف نصیبین و نیز ورود به ایالت ساسانی آسورستان را برای آنان باز کرد. رومیان، پس از تصرف نصیبین به‌منظور حمله به تیسفون، در امتداد رود خابور (Khabur) به پیشروی خود به سمت جنوب بین‌النهرین ادامه داده و در نزدیکی سیرسیزیوم (Circesium) از فرات گذشتند. در نبردی که در سال ۲۴۴ میلادی در مشیگ

(Meshike) روی داد، قیصر رومی کشته شد و سپاهیان او مغلوب شدند. فیلیپ (Philip)، قیصر جدید، مجبور به پرداخت پانصد هزار دینار به‌عنوان خون‌به‌خون‌های نیروهایش شد. با انعقاد قرارداد صلح، رومیان پذیرفتند که در امور ارمنستان مداخله نکنند و ایران توانست کنترل اوضاع آن سرزمین را نیز به دست گیرد؛ اما در فاصله‌ی سال‌های ۲۵۲ تا ۲۵۶ میلادی و به‌واسطه‌ی دخالت رومیان در امور ارمنستان نبرد دیگری روی داد. در طی این نبردها مناطق سوریه، ارمنستان کوچک، دورا اتروپوس و سیرسیزیوم مورد حمله‌ی ساسانیان قرار گرفتند. این بار با شکست گسترده‌ی سپاهیان رومی در نبرد باربالیسوس (Barbalissos) در سال ۲۵۳ میلادی راه تصرف مناطق بیشتری برای ساسانیان باز شد به‌گونه‌ای که هیراپولیس (Hierapolis)، رسینه، سلوکیه سوریه (Seleucia) و انطاکیه، تختگاه آن سرزمین، نیز به تصرف درآمد؛ و بدین ترتیب سواحل شرقی مدیترانه به‌طور کامل به دست ساسانیان افتاد. از انطاکیه سپاه ساسانی از مسیر شمال و جنوب حملات خود را به سرزمین‌های رومی ادامه داد. اوج پیروزی شاپور اول بر رومیان در سال ۲۶۰ میلادی و در نبرد ادسا (Edessa) رقم خورد که والرین (Valerian)، قیصر و جمع دیگری از بزرگان رومی به اسارت ساسانیان درآمدند. با شکست سپاه رومی راه آسیای صغیر بر ایرانیان گشوده شد. سپاهیان شاپور به ایالت‌های کیلیکیه، کاپادوکیه و ارمنستان صغیر حمله کردند و پس از تصرف بندر طرسوس (Tarsus)، شهرهای ساحلی مدیترانه را غارت نمودند. اگرچه ساسانیان برخی از شهرهای تصرف‌شده را بر اثر فشار سپاهیان رومی تخلیه کردند اما بنا بر ادعای شاپور در کتیبه‌ی خود بر کعبه‌ی زردشت، سی‌وهفت شهر به تصرف او درآمد. البته به نظر می‌رسد تسلط ساسانیان بر شهرهای متصرفی دیری نپاییده است زیرا حملات ادناتوس (=اذینه Odenathus) متحد پالمیری (Palmyra) روم باعث خروج ساسانیان از برخی از سرزمین‌های متصرفی نظیر کرهه و نصیبین در سال ۲۶۲ م شد (Maksymiuk, Huyse, 1999: 22-63; Bird, 1976: 123-132; Dodgeon and Lieu, 1991: 98-105). البته پس‌ازاین، نبردهای این جبهه در قالبی سنگین‌تر، چنان‌که گفته خواهد شد، ادامه می‌یابد.

در دوران پادشاهی بهرام دوم (۲۹۳-۲۷۶ م) رومیان موفق به تصرف بابل، سلوکیه‌ی دجله و تیسفون شدند. اما عاقبت در نبردی در نزدیکی کرهه از ساسانیان شکست‌خورده و مجبور به عقب‌نشینی شدند (Bird, 1976: 123-132; Dodgeon and Lieu, 1991: 98-105). نرسه (۳۰۲-۲۹۳ م) فرمانروای جدید ساسانی، در سال ۲۹۶ م به ارمنستان تحت نفوذ روم حمله کرد. در سال بعد، ایرانیان موفق به فتح کالینیکوم (Callinicum) و کرهه شدند؛ اما شکست

سال ۲۹۸ میلادی نرسه در نزدیکی ساتالا (Satala) منجر به از دست رفتن بخش‌های وسیعی از متصرفات ساسانیان شد (وینتر و دیگناس، ۱۳۸۷: ۱۹).

شاپور دوم (۳۷۹-۳۰۹ م) در سال ۳۱۲ م با رومیان وارد جنگ شد و کنستانتینا (Constantina) را فتح کرد. نبردها در فاصله‌ی سال‌های ۳۱۲ تا ۳۵۹ میلادی بدون برتری قطعی طرفین ادامه یافت تا این که ساسانیان در این سال موفق به فتح آمد (Amida) شدند. نصیبین در سال‌های ۳۳۷، ۳۴۶ و ۳۵۰ م در برابر حملات ساسانیان ایستادگی کرد، اما وضعیت در سنجار (Singara) به گونه‌ای دیگر بود و در سال‌های ۳۴۴ و ۳۴۸ م، این شهر به تصرف ساسانیان درآمد. نبردها با روی کار آمدن ژولیان (۳۶۳-۳۶۱ م Julian) ادامه یافت و رومیان موفق به فتح دژهایی نظیر پیروز شاپور شدند و تیسفون را تهدید نمودند. این لشکرکشی با مرگ امپراتور به پایان رسید. جانشین وی یووینان (۳۶۴-۳۶۳ م Jovian) مجبور به انعقاد قرارداد صلحی با شاپور شد که بر اساس آن رومیان از فتوحاتی که در زمان دیوکلیتیان صورت گرفته بود چشم پوشیدند و نصیبین و سنجار را به ساسانیان واگذار کردند. همچنین آن‌ها پذیرفتند از ارمنستان عقب‌نشینی نمایند (آمیائوس مارسلینوس، ۱۳۱۰: ۶۷-۶۲ و ۱۲۶-۱۲۴: 50-55; Maksymiuk, 2015).

در دوران بهرام پنجم ملقب به گور (۴۲۱-۴۳۸ م) و در فاصله‌ی سال‌های ۴۲۱ تا ۴۲۲ م، ساسانیان تئودوسیوپولیس (Theodosiupolis) را به محاصره گرفتند و رومیان در پاسخ، به محاصره‌ی نصیبین پرداختند. عاقبت با انعقاد قراردادی، صلح میان طرفین برقرار گردید (Greatrex, 1993: 1-14; and Lieu, 2002: 36-45). با آغاز قرن ششم و در دوران سلطنت کواذ اول (۵۳۱-۴۸۸ م)، در سال ۵۰۲ میلادی درگیری‌ها از سر گرفته شد. شهرهای تئودوسیوپولیس، مارتیروپولیس (Martyropolis)، آمد، کرهه، ادسا، نصیبین، تبتا (Thebetha)، دارا و ساتالا عمده‌ترین محل‌های درگیری بودند (شاپور شهبازی، ۱۳۸۹: ۵۲۰-۵۱۸). رومیان برای بازپس‌گیری آمد مجبور به پرداخت مبالغ هنگفتی شدند. نبردها تا هنگام مرگ شاهنشاه ساسانی در سال ۵۳۱ م ادامه یافت (پروکوپوس، ۱۳۸۲: ۴۵-۳۵). پس‌از این در دوران خسرو انوشه روان نیز منطقه‌ی قفقاز و همچنین گرجستان صحنه‌ی رقابت و کشمکش‌های عمیقی گردید که اوج آن را در نبرد میان سپاهیان طرفین بر سردست یابی به قلعه‌ی "پترا" در گرجستان می‌توان به ملاحظه نشست (پروکوپوس، ۱۳۸۲: ۱۷۵-۱۷۲). در واقع تسلط بر گرجستان به منزله‌ی دست‌یابی رومیان به نقطه‌ی اتکاء مستحکمی در ساحل دریای سیاه و قفقاز بوده است تا با دور زدن سرزمین‌های ساسانی از

قسمت‌های بالایی دریای خزر و قفقاز، مسیر جدید تجاری را بدون عبور از سرزمین‌های ساسانی باز نمایند.

پی جویی سیر درگیری‌های ایرانیان ساسانی با رومیان تا اوایل قرن ششم میلادی (دوران خسرو اول) نشان می‌دهد عمده‌ی منازعات و مناقشات بر سر دست یابی به مناطقی صورت می‌گرفته است که در خشکی نهاده شده‌اند. در ذیل تلاش می‌شود که دلائل توجه ساسانیان و رومیان به این نقاط از منظر تجاری و اقتصادی مورد توجه بیشتری قرار گیرد. مسأله‌ی ای که علاوه بر نشان دادن اهمیت سیاسی- نظامی و ژئوپلیتیکی این منطقه، کارکرد چند وجهی این مناطق را نشان می‌دهد.

تبیین اهمیت تجاری - اقتصادی منزلگاه‌ها و پادگان‌های سرحدات غربی

معروف است که مهم‌ترین مسیر تجاری میان شرق و غرب در دنیای قدیم جاده ابریشم بوده؛ این شاهراه تجاری از چین آغاز شده و با عبور از ترکستان (Xinjiang)، بلخ و مرو به هگاتوم پلیس (Hecatompolis) یا دامغان کنونی می‌رسید. پس از آن با عبور از همدان به تیسفون وارد می‌شد. در این جا باید خاطر نشان کرد بخش دوم این مسیر از این پس به جهت اهمیت، مورد توجه و ارزیابی بیشتری قرار خواهد گرفت. بدین دلیل که از این نقطه تا کناره‌های سواحل مدیترانه در ابعاد گوناگون جمعیتی، کشاورزی، جغرافیایی، نظامی، وجود منابع طبیعی و... از چنان جایگاهی برخوردار است که صرفاً به لحاظ یکی از این جهات به سرزمین هلال حاصلخیز معروف می‌شود. همین نقطه، اصلی‌ترین گرانیگاه و محل تلاقی و رقابت نیروهای گوناگون بوده است؛ به عبارت دیگر سرزمین عراق به عنوان دل ایران‌شهر به ویژه در این دوران تبدیل به میدان بزرگی از تقسیم و اتصال شبکه‌ی راه‌های تجاری به ویژه در ناحیه‌ی بین‌النهرین علیا شد. از تیسفون این مسیر به دو شاخه تقسیم می‌گردید که یکی از ایالت آشور، هاترا (= حضر) و نصیبین می‌گذشت و دیگری از دورا ائوروپوس عبور می‌کرد. شاخه‌ی دوم پس از ورود به دورا ائوروپوس خود به دو شاخه تقسیم می‌شد: که یک شاخه از ساحل راست رود فرات به نیسه فوریوم (Nisea Furiom) و دیگری پس از عبور از مسیر بیابانی به پالمیر می‌رسید (جان آربری، ۱۳۸۸: ۳۹-۳۸).

مسیر بازرگانی دیگری نیز وجود داشت که از دوران اشکانی واجد اهمیت بود. این مسیر با عبور از بین‌النهرین شمالی، ارمنستان و گرجستان به دریای سیاه می‌رسید. این راه که در دوره‌ی ساسانیان نیز اهمیت خود را حفظ نمود یکی از مسیرهای مهم بازرگانی میان شرق و غرب محسوب می‌شد. بازرگانان

ارمنی در این مبادلات کالایی به عنوان واسطه عمل می‌کردند و شهر آرتاکساتا (Artaksata) در ارمنستان از مهم‌ترین مراکز بازرگانی دنیای قدیم به حساب می‌آمد (Manandian, 1965: 44 and 13).

"هاترا" به علت موقعیت ویژه‌ی خود در شمال بین‌النهرین تبدیل به نقطه‌ی اتصال راه‌های کاروانرویی شد که از نصیبین به تیسفون منتهی می‌گردید. از هاترا به نصیبین دو راه اصلی قابل شناسایی است: یکی از مسیر موصل و دیگری از مسیر سنجار. علاوه بر آن راه‌هایی از هاترا منشعب می‌شد که به دورا ائوروپوس بر ساحل رود فرات می‌رسید (سفر و مصطفی، ۱۳۷۶: ۳۴). این دژ شهر، نقش مهمی در خطوط دفاعی اشکانیان در قسمت میانه‌ی بین‌النهرین و در نتیجه حفاظت از ارمنستان و تیسفون، ایفا می‌کرد، به همین خاطر پس از حملات ناموفق اردشیر برای تسخیر این شهر، رومیان از اتحاد با هاترا استقبال نموده و با ساخت دژها و جاده‌هایی در اطراف این ناحیه آن را در سیستم دفاعی خود ادغام کردند و از آن به عنوان پست دیده بانی و پایگاهی برای اقدامات نظامی علیه ساسانیان استفاده نمودند (وینتز و دیگناس، ۱۳۸۶: ۱۴۰-۱۴۲). از این روی تصرف هاترا به دست ساسانیان سبب بهبود موقعیت نظامی آنان در شمال بین‌النهرین نیز می‌شد.

"دورا ائوروپوس" بر کرانه‌ی رود فرات، دیگر مکانی است که از همان آغاز کار سلسله‌ی ساسانی مورد توجه قرار گرفت. این شهر طی دوره‌ی سلوکیان از یک ماندگاه نظامی روستایی که نقش مهمی در ایجاد امنیت راه‌های ارتباطی و تجاری ایفا می‌کرد به یک پولیس (Polis) تبدیل شد و ماهیت نظامی آن تحکیم یافت؛ اما از سده‌ی یکم میلادی با توجه به قرارگیری در مسیر کاروان‌های تجاری که از راه خلیج فارس و خاراکس به پالمیرا می‌رفتند، تبدیل به یک شهر بازرگانی شد. از دوره‌ی شاپور هویت اقتصادی شهر مورد تاکید قرار گرفت؛ بدین روی به نظر می‌رسد که درگیری‌های گسترده‌ی نظامی و ظهور پادگان - باراندازهای جدید در پیرامون این ناحیه، منجر به متروکه شدن و محو این شهر ثروتمند و شکوفا شد (لوکونین، ۱۳۸۹: ۱۱۱ و ۱۲۱-۱۲۰).

"نصیبین"، بر کرانه‌ی رود میگدون (Mygdon)، شهری بود که بر سر دست یابی به آن میان دو طرف جنگ‌های خونینی به وقوع پیوست (پیگولفسکایا، ۱۳۹۱: ۱۰۸). در اهمیت اقتصادی این شهر همین بس که در قراردادهای صلح میان طرفین از جمله در ۲۹۸ میلادی، به عنوان یکی از مراکز مجاز تجارت میان ایران و بیزانس تعیین گردید (شپیمان، ۱۳۹۰: ۹۸-۹۷). نقطه‌ی کمتر شناخته شده‌ی دیگر شهرک یا پادگان "دارا" است. این پادگان ابتدا به منظور مهار نصیبین در بخش شرقی فرات بنا شد.

جالب آن که هر چند این قلعه توسط رومی‌ها بنا نهاده شد، اما در منابع "دارا" نام گرفته است. به نظر می‌رسد خارج شدن سریع این منطقه از دست رومی‌ها و استقرار دائمی ساسانیان در آن، در این تغییر نام موثر افتاده است. ساسانیان از استقرارشان در این نقطه "سود سرشار مالی" به دست می‌آورده‌اند (شاپور شهبازی، ۱۳۸۹: ۵۱۹-۵۱۸). این شهر بر اساس توافق صلح سال ۵۶۲ م، توانست به جمع شهرهای دارای حقوق تجاری خاص در مبادلات دو دولت دست یابد (رضا، ۱۳۷۶: ۲۰۵).

"کرهه" (حران) از دیگر نقاط برخورد میان ایران ساسانی و بیزانس بوده است. این نقطه از قدیم الایام مرکز مهم بازرگانی محسوب می‌شد که به بنادر مدیترانه اتصال می‌یافت و محل عبور کاروان‌های شرق، بازرگانان بنادر دریایی و تجار شمال و جنوب بود (ایسرائل، ۱۳۹۱: ۹۷-۹۴؛ فرقانی، ۱۳۷۷: ۲۴). کرهه کماکان در دوره‌ی ساسانی اهمیت خود را به عنوان شهری کاروانی در مسیر تجارت شرق به غرب و دژی در برابر ورود به سوریه و آسیای صغیر حفظ نمود. شهر دیگری که نام آن بارها در مناقشات میان طرفین می‌آید، "آمد" (=آمید) بر کرانه‌ی غربی دجله است. این ناحیه که در محل دیاربکر امروزی در ترکیه واقع بوده به مرکز آناتولی و ساحل دریای سیاه، فلات ایران و سواحل مدیترانه و نیز به خلیج فارس اتصال می‌یافت. موقعیت تجاری-اقتصادی این شهر به لحاظ قرار گیری در مسیر شاهراه‌های مبادلات بازرگانی شرق به غرب سبب ثروتمندی آن شده بود؛ به گونه‌ای که در جریان فتح شهر در سال ۵۰۳ م، توسط نیروهای کواذ اول، مقادیر قابل توجهی از ثروت آمد با استفاده از قایق و از طریق رود دجله به تیسفون انتقال یافت (پیگولفسکایا، ۱۳۹۱: ۱۵۰).

"انطاکیه" از دیگر نقاط مهم مورد مناقشه‌ی میان طرفین است. این شهر به دلیل موقعیت خود دارای اهمیت ژئوپلیتیکی تجاری-اقتصادی و نظامی برای ایران و روم بوده است. علاوه بر شرایط مناسب منطقه به لحاظ برخورداری از منابع آبی و خاکی برای توسعه‌ی کشاورزی، قرار گیری آن در مسیر تجارت شرق به غرب دنیای باستان، عواید سرشاری را نصیب این ناحیه می‌نمود و بر اهمیت آن می‌افزود. یک شاخه از جاده‌ی ابریشم که به تیسفون منتهی می‌شد پس از عبور از آن به سوی انطاکیه می‌رفت و کالاهای تجاری شرقی را به تختگاه سوریه می‌رساند. این کالاها پس از آن با عبور از مدیترانه و یا از راه‌های خشکی به نواحی داخلی روم وارد می‌شدند (بیکرمان، ۱۳۸۹: ۱۱۱; Bouchier, 1921: 153).

اما دو نقطه‌ی بسیار مهم در مناقشات و درگیری‌های طرفین از نظر تجاری و اقتصادی، "ارمنستان" و "گرجستان" در منطقه‌ی عمومی قفقاز بوده است؛ به رغم این که در بسیاری از

پژوهش‌ها بر اهمیت سیاسی و نظامی آن‌ها تاکید شده؛ اما کمتر به موقعیت و نقش ویژه‌ی اقتصادی و تجاری این دو نقطه در مناسبات و خطوط مرزی میان ایران و روم پرداخته شده است. شاخه‌ای از راه تجاری ابریشم از هگمتانه به آرتاکساتا (آرتاشات) تختگاه ارمنستان می‌رسید و مسیر فوق بعدها با تغییر این تختگاه، به دوین (Dvin) اتصال می‌یافت. اهمیت تجاری ارمنستان به حدی بوده که در قرارداد سال ۲۹۸ م، آرتاکساتا در کنار نصیبین و کالینیکوم به عنوان یکی از مراکز مجاز تجارت طرفین تعیین گردید و در قرار دادهای آینده نیز مورد تاکید قرار گرفت (رضا، ۱۳۷۶: ۲۰۵). یافت شدن بیش از یکصد مهر گلی در شهر دوین که برای مهر و موم کردن کالاهایی که در تجارت کاروانی یا دریایی جابجا می‌شده‌اند، نشان دهنده‌ی رونق تجاری این منطقه در دوران ساسانی است (لوکونین، ۱۳۸۹: ۱۴۴-۱۴۳). وجود ذخایر غنی زیر زمینی از جمله طلا نیز بر اهمیت اقتصادی ارمنستان می‌افزود (پروکوپیوس، ۱۳۸۲: ۷۶).

انتقال گرانیگاه رقابت‌های سیاسی-اقتصادی از سرحدات زمینی به روی مسیرهای دریایی

یکی دیگر از مسیرهای کهن تجاری میان ملل این منطقه راه دریایی خلیج فارس بوده است (برای کسب اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به؛ پیغمبری، ۱۳۹۳) که از همان آغاز تشکیل سلسله‌ی ساسانی توجه آن‌ها را به خود جلب نموده بود. با شکل‌گیری حکومت ساسانیان در سال ۲۲۴ م و تلاش‌های اردشیر برای تسلط بر قلمرو اشکانیان، پادشاهی خاراکس اسپاسین (Charax Aspasin) در مرکز توجه شاه ساسانی قرار گرفت. از این پادشاهی در قرن اول میلادی به‌عنوان "بازارکده‌ی" خلیج فارس یاد شده است که به مدت سه قرن نبض تجارت در خلیج فارس را در دست داشته است. خاراکس با جاده‌های کاروان رو به پالمیر در سوریه وصل می‌شد و کالاهای هند از این طریق به شرق مدیترانه و کالاهای مدیترانه به هند می‌رسید. با قتل فرمانروای آن به دست اردشیر اول، خاراکس به یکی از ایالات شاهنشاهی ساسانی تبدیل شد (پاتس، ۱۳۹۳: ۷۵-۷۳).

در راستای بسط توسعه و نفوذ ساسانیان بر دو سوی این آبراهه‌ی تجاری علاوه بر احداث شهرهایی مانند بخت اردشیر (Buxt Ardasir) یا همان بوشهر کنونی بر کرانه‌ی شمالی خلیج فارس، اردشیر به کرانه‌ی جنوبی آن نیز لشکر کشید و شهرهای عمان، بحرین و یمامه را به تصرف درآورد (طبری، ۱۳۷۵: ۵۸۵-۵۸۴؛ شاپور شهبازی، ۱۳۸۹: ۲۷۳؛ دینوری، ۱۳۷۱: ۶۹). یافته‌های باستان‌شناسی

بر کرانه‌های جنوبی خلیج فارس خود گواه و موید تسلط ساسانیان بر این مناطق است. این دوران را می‌توان دوره‌ی یکپارچه‌سازی نفوذ و قدرت سیاسی-اقتصادی ساسانیان در حوضه‌ی خلیج فارس نامید (Kervran and Hiebert, 1991: 337-348; Baramki, 1975:66). بعدها با روی کار آمدن خسرو انوشه روان در قرن ششم میلادی، به دنبال یک دوره کشمکش‌های طولانی، گرانیگاه صحنه‌ی درگیری و رقابت‌های گسترده‌ی موردبحث نیز از سرحدات حوضه‌ی هلال خصیب و قفقاز به خلیج فارس تا دریای سرخ انتقال یافت؛ به‌ویژه اینکه مرکز فرآر مبادلات تجاری، در اثر برخوردهای طولانی بر روی خطوط و سرحدات گفته‌شده در فراز قبلی، نیاز به مسیری امن‌تر داشت. به نظر می‌رسد انتقال بخش مهمی از مبادلات تجاری این دوران بر روی دریاها نتیجه‌ی قهری فشارهای فراوان نظامی بر روی منزلگاه‌ها یا باراندازهای سرحدات غربی از گرجستان و ارمنستان تا بین‌النهرین بوده است.

به دنبال بالا گرفتن تنش‌های سیاسی و درگیری‌های نظامی میان ایران و بیزانس امنیت راه‌های تجاری زمینی دچار مخاطرات جدی شد؛ به‌عبارت‌دیگر بر اثر استفاده‌ی ابزار ساسانیان از مسائل تجاری و اقتصادی برای ایجاد فشار بر بیزانس این دشمنی‌ها تشدید گردید. ساسانیان می‌توانستند با صلاحدید خود و برای اعمال فشار اقتصادی بر رومیان قیمت کالاهای تجاری، خصوصاً ابریشم که مهم‌ترین کالای تجاری دوران باستان بوده است را تغییر داده و بر عوارض گمرکی آن بیفزایند. اهمیت ابریشم به‌قدری بوده است که برخی سقوط دولت روم را بر اثر دیونی می‌دانند که واردات بیش‌ازحد این کالا بر اقتصاد برده‌دار آن وارد ساخته بود (گیبون، ۱۳۷۰: ۲۷۲).

با گسترش دامنه‌ی مناقشات و دشمنی‌ها پس از سقوط هیتالیان و جانشینی ترکان و توسعه‌ی قلمرو آن‌ها تا قفقاز، بیزانس و خانات ترک با یکدیگر به توافقی رسیدند که بر مبنای آن راه بازرگانی جدیدی از مسیر قفقاز، بدون عبور از سرزمین‌های ساسانی گشوده شد (Vasiliev, 1952: 121-122). در مسیر تجاری جدید گرجستان غربی (گلخید) به‌واسطه‌ی قرارگیری بر کرانه‌های دریای سیاه اهمیت فراوانی یافت. به همین خاطر، چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، در قرن ششم میلادی رقابت‌ها بر سر این منطقه‌ی استراتژیک و بندرگاه‌های آن به‌ویژه پترا (Petra) تشدید شد. پروکوپیوس می‌آورد: «در ساحل دریای سیاه شهری است به نام پترا که پیش‌ازاین دارای اهمیتی نبود، ولی از وقتی که ژوستینین حصار محکمی بر گرد آن کشید و چند عمارت مهم نیز در آن بنا نمود، رفته‌رفته کسب رونق و اهمیتی کرد» (پروکوپیوس، ۱۳۸۲: ۱۷۲). اهمیت این شهر در امر بازرگانی از آنجا آشکارتر می‌شود که به یاد

آورده شود که فرماندهی دژ پترا در زمان حمله‌ی سپاه خسرو اول فردی تاجر پیشه به نام یوحنا (Iohannes) بوده که به قول پروکوپئوس از امور نظامی سررشته‌ای نداشته است. ثروت این شهر به اندازه‌ای بود که مورخ بیزانسی آن را بی‌حساب می‌خواند (پروکوپئوس، ۱۳۸۲: ۱۷۴-۱۷۳). در واقع می‌توان نبرد لازستان را تلاشی برای کنترل مسیر بازرگانی دریای سیاه و بخش دیگری از تلاش ایران و بیزانس برای تسلط بر راه‌های تجاری تازه گشوده شده‌ی میان طرفین که این بار بیشتر به بندرگاه‌ها و دریاها کشیده شده بود، دانست.

به نظر می‌رسد به‌رغم گام‌های مهم بیزانسی‌ها برای تولید ابریشم، مقدار ابریشمی که از مسیر زمینی توسط سغدیان و نیز تولید در داخل روم تأمین می‌شده، کمتر از میزان نیاز رومیان به این کالای تجملی بوده است؛ بنابراین توجه امپراتوری بیزانس برای سروسامان دادن به تجارتی مستقل از نفوذ ساسانیان، به راه‌های دیگری که این بار بر روی دریاها بودند جلب شد. حال آنکه به‌واسطه‌ی تسلط ساسانیان بر کرانه‌های شمالی و جنوبی خلیج فارس امکان استفاده‌ی رومیان از این مسیر دریایی بدون نظارت ساسانیان عملاً وجود نداشت. بدین ترتیب آن‌ها به سراغ مسیر دیگری رفتند که کالاهای چین و هند را از طریق اقیانوس هند به خلیج عدن و دریای سرخ و نهایتاً عربستان جنوبی می‌رساند و این کالاهای از آنجا توسط بازرگانان یمنی و از مسیر عربستان غربی می‌توانست بدون مداخله‌ی ایرانیان به سرزمین‌های رومی ترانزیت گردد (میکل، ۱۳۸۱: ۵۳-۵۰).

اولین تلاش رومی‌ها برای تسلط بر این مسیر دریایی در سال ۲۵-۲۴ قبل از میلاد رخ داده بود. آن‌ها به‌منظور تسلط بر یمن که کالاهای تجاری آن از قبیل مَر، کندر و بخور در مصر و سوریه طرفداران بسیاری داشت؛ و نیز تسلط بر راه تجاری هند که تا آن زمان از طریق ایران و یا از راه عمان و هرمز به جنوب عربستان و سپس سوریه می‌رسید و نیز به‌منظور تأسیس بندری برای کشتی‌های رومی در عدن و باب‌المنذب، اقدام کرده و به محاصره‌ی مَرب پایتخت سبأ پرداختند. پس‌از این آن‌ها به‌واسطه‌ی بی‌آبی به‌سرعت و بدون دستیابی به مقصود، مجبور به بازگشت به مصر شدند (تقی زاده، ۱۳۸۹: ۸۴-۸۱)؛ اما این بار در اواخر سلطنت کواذ اول و بین سال‌های ۵۲۵-۵۱۷ میلادی پادشاه مسیحی حبشه که متحد بیزانس محسوب می‌شد به یمن حمله کرده و آن را به تصرف در آورد. بیشتر منابع عربی - اسلامی همچون طبری و دینوری دفاع از مسیحیان نجران در برابر کشتار پادشاه یهودی حمیر (Himyar) را دلیل اصلی پادشاه حبشه برای حمله به یمن ذکر کرده‌اند. در این روایات پادشاه حبشه این کار را به دستور و یا با حمایت پادشاه روم انجام داده است (طبری، ۱۳۷۵: ۶۷۳؛ دینوری، ۱۳۷۱: ۹۱-۸۹). پروکوپئوس نیز همسو با منابع عربی - اسلامی دلیل حمله‌ی حبشیان مسیحی را آزار و

اذیت مسیحیان یمن توسط پادشاه یهودی آنجا می‌داند (پروکوپیوس، ۱۳۸۲: ۹۹-۹۸)؛ اما در روایت دیگری که از نظر این مقاله نیز از وزن بیشتری برخوردار است، دلیل حمله‌ی حبشیان به یمن مسائل تجاری بوده است. بر این اساس مردم حمیر با بازرگانان رومی که در کار تجارت کالای هند از یمن فعالیت داشتند درگیر شده و تعدادی از آن‌ها را به قتل رساندند. توقف تجارت با رومیان در اثر این رویداد موجب ضرر و زیان حبشیان مسیحی که از این تجارت سود سرشاری می‌بردند گردید و آن‌ها برای بازگشایی این مسیر بازرگانی به یمن حمله کرده و ذونواس حمیری را به قتل رساندند (زرین‌کوب، ۱۳۸۹: ۴۰؛ آلت‌هایم، ۱۳۶۹: ۱۲۱). نکته‌ی مهم آن‌که غالب کلونی‌ها و مهاجرنشینان یهودی پراکنده در سطح منطقه از ایران گرفته تا درون شبه‌جزیره‌ی عربی تحت نفوذ و حمایت پادشاهان ایران باستان به‌ویژه از دوره‌ی اشکانیان به بعد قرار داشتند؛ چنان‌که گاه با اشکانیان دارای شرکت‌های تجاری مشترکی بوده‌اند (آلت‌هایم، ۱۳۶۹: ۱۲۵). تصرف یمن توسط حبشیان چه به دلیل دفاع از مسیحیان نجران و چه به دلیل بازگشایی مسیر بازرگانی به سرزمین‌های رومی و یا هر دو دلیل، برای رومیان فرصت مناسبی جهت دور زدن مسیر بازرگانی ایران فراهم آورد؛ به‌گونه‌ای که رفت‌وآمد آزادانه‌ی کشتی‌های بازرگانی رومی بر روی دریای سرخ در قرن ششم میلادی امکان‌پذیر شد (پروکوپیوس، ۱۳۸۲: ۹۶).

پس از تسلط حبشیان بر یمن، به‌رغم تلاش آنان جهت نفوذ در قسمت‌های شمالی شبه‌جزیره که با شکست سپاه ابرهه همراه گردید، یمنی‌ها از طریق پادشاه لخمی ایران گرای حیره، به دربار خسرو اول راه‌یافته و از او درخواست کمک کردند. شاهنشاه ساسانی نیز سپاهی به فرماندهی وهرز دیلمی از راه خلیج فارس برای تصرف یمن گسیل نمود. سپاه ساسانی با کمک یمنی‌ها توانست بر پادشاه حبشی این سرزمین غلبه کرده و به حکومت آنان خاتمه دهد (طبری، ۱۳۷۵: ۶۹۸-۶۸۹؛ دینوری، ۱۳۷۱: ۹۳-۹۲). سیطره‌ی ایرانیان بر یمن در فاصله‌ی سال‌های ۵۶۲ تا ۵۷۲ میلادی روی داد؛ بدین ترتیب ایران بر خلیج عدن تسلط یافته و در نتیجه باعث فشار سیاسی و اقتصادی بر بیزانس از طریق دریای سرخ نیز گردید و مشکلات بیشتری را برای تجارت بیزانس به وجود آورد. این تغییر آرایش سیاسی در دریای سرخ موجب تغییراتی در مسیرهای تجاری شد. ساسانیان در جهت منافع خود، مسیر قسمتی از دادوستد دریایی خویش را به سمت خلیج فارس تغییر دادند که به کمرنگ شدن نقش ترانزیتی یمن در تجارت منتهی گردید. در مقابل حبشه نیز که یمن را به نفع دشمن خود، ایران، از دست داده بود از این‌پس مسیر تجارت خود را به سمت شمال و بیزانس تغییر داد. پیرو این جابجایی‌ها شاهد رشد و توسعه‌ی نقش

حجاز به‌عنوان واسطه‌ی جدید تجارت شرق و غرب از طریق دریای سرخ هستیم (میکل، ۱۳۸۱: ۵۵-۵۴؛ لاپیدوس، ۱۳۹۴: ۴۷-۴۶).

با گسترش جبهه‌های نبرد میان ایران و بیزانس طی قرن ششم میلادی برای تسلط بر دریاها و بالا گرفتن دوباره‌ی دامنه‌ی این نبردها در محدوده‌ی هلال خصب یعنی از کنار فرات تا سواحل شرقی مدیترانه که طی نیمه‌ی اول قرن هفتم میلادی با تصرف سرزمین‌های سوریه، فلسطین و آسیای صغیر در دوره‌ی خسرو دوم (اپرویز) به اوج خود رسید؛ معلوم شد استمرار درگیری‌ها و گسترش جبهه‌ها و تعمیق اختلافات در این منطقه‌ی ژئوپلیتیکی تبعات سنگینی را برای طرفین به همراه داشته است. چنان‌که حوادث بعدی، نشان داد که چگونه ورود ایران و بیزانس به رقابت برای تسلط بر دریاها و تغییرات گریزناپذیر ناشی از این کشمکش‌ها، زمینه‌ساز رشد و توسعه‌ی قدرت دیگری در شبه‌جزیره‌ی عربستان شد که خیزش آنان مصادف با پایان دوران باستان و امپراتوری‌های کهن مشرق زمین خواهد بود. در واقع بن‌بست ایجادشده در تبادلات تجاری میان‌رودان تا کرانه‌های مدیترانه و تلاش برای باز کردن و در دست گرفتن مسیرهای جدید بازرگانی از راه دریا، خصوصاً دریای سرخ، به رونق تجارت در بخش‌های غربی و شرقی شبه‌جزیره‌ی عربستان و رونق و توسعه‌ی شهرهای واقع در این مسیر انجامید. مناطقی که از این تغییر مسیر تجاری منتفع شدند (لاپیدوس، ۱۳۹۴: ۴۸ و ۸۷). در رأس این شهرها مکه قرار داشت که اندکی بعد به‌عنوان خاستگاه دین اسلام برخاست و تبدیل به کانون قدرتی جدید در برابر ایران و بیزانس گردید؛ به‌عبارت‌دیگر مرکز فرار مبادلات تجاری از حوضه‌ی هلال خصب و روی دریاها به درون بادیه‌های عرب نشین انتقال یافت.

نتیجه

ساسانیان در سه‌نقطه‌ی قفقاز، سواحل شرقی مدیترانه تا بین‌النهرین و از آبراهه‌ی خلیج فارس تا دریای سرخ با امپراتوری بیزانس کشمکش و رقابت داشتند. بی‌شک نقطه‌ی ثقل این درگیری‌ها منطقه‌ی بین‌النهرین تا سواحل شرقی مدیترانه بود. بین‌النهرین در اثر گذر انبوهی از مسیرهای ریزودرشت، میدان تقسیم بزرگی از شبکه‌ی راه‌های تجاری بود. به دلیل درگیری‌های متمادی ایرانیان و رومی‌ها در این سرحدات، شبکه‌ای از شهرک‌ها و منزلگاه‌های بین‌راهی پدید آمدند که به‌تدریج تبدیل به رباط- پادگان‌هایی با کارکرد دوگانه‌ی اقتصادی- نظامی شدند. دوتقطه‌ی دیگر برخوردها و رقابت‌های ایران و بیزانس تابع وضعیت و آرایش قوای طرفین در منطقه‌ی میانی این گستره‌ی

ژئوپلیتیکی بوده است؛ به عبارت دیگر عمق استراتژیک این دو قدرت و گرانیگاه اصلی ژئوپلیتیکی آنان از ناحیه‌ی بین‌النهرین علیا و گاه از کرانه‌های فرات تا سواحل شرقی مدیترانه باید در نظر گرفته شود؛ نقطه‌ای که طولانی‌ترین و خونین‌ترین جنگ‌های میان آنان را به خود دید.

از سوی دیگر، بر اساس اسناد و تحلیل‌های ارائه‌شده، معلوم می‌شود که خلیج فارس برای ایرانیان همانند دریای مدیترانه برای رومی‌ها، یک دریای میانی بود. ایرانیان از این آبراهه تا اقیانوس هند و دریای سرخ را تحت نفوذ و تأثیر خود قرار داده بودند. نفوذ سنتی ایرانیان در میان مردم و فرهنگ‌های بومی و شناخت عمیق از آنان و همچنین مشارکت و سهیم کردن این مردمان در منافع حاصله از همکاری با حاکمیت ساسانی، امکان اقتدار بیشتر و هم‌آوردی با رومی‌ها را فراهم می‌کرد. در اینجا باید این نکته را یادآوری نمود که طی دوران مورد بحث، هر دو قدرت خواستار آن بودند که با تسلط بر دریای سرخ و سرزمین‌های کرانه‌ای آن، این راه بازرگانی دریایی را که حامل کالاهای مرغوب خاور دور و در درجه‌ی اول ابریشم و همچنین بخور و دیگر ادویه‌ی مورد نیاز بود تحت کنترل خود قرار دهند و از سود بازرگانی - ترانزیتی آن نیز بهره‌مند شوند. بر اساس آنچه گذشت، رقابت‌های منطقه‌ای ایران و روم شرقی در نقطه‌ی آغازین آن، از جانب رومی‌ها می‌بایست از حوضه‌ی دریای مدیترانه و از جانب ایرانی‌ها نیز از حوضه‌ی خلیج فارس مورد توجه قرار گیرد. در حالی که از آغاز شکل‌گیری حکومت ساسانیان در قرن سوم میلادی تا اوایل قرن ششم، مهم‌ترین نقاط برخورد طرفین که حائز اهمیت ژئوپلیتیکی، نظامی و تجاری - اقتصادی بوده‌اند در قسمت میانی "هلال خصیب" بر روی زمین بود، اما به دنبال توسعه‌ی نظامی و تجاری شهر پترا در گرجستان و آنگاه با اردوکشی دریایی ساسانیان در سال‌های پادشاهی خسرو انوشه روان برای تصرف یمن، این رقابت‌ها به دریا نیز کشیده شد و به نقطه‌ی اوج خود رسید. همچنین تسلط بر یمن در عین حال پاسخی بود از سوی ساسانیان به مذاکرات تحریک‌آمیز بیزانس و اتحادیه‌ی قبایل مهاجم نیمه وحشی هون یا هیتال و امثالهم، برای دور زدن مرزهای ایران ساسانی از سرحدات شمال شرق تا اراضی بالای دریای خزر که از چندی پیش در جریان بود.

یادداشت‌ها

^۱ - علیرغم نو بودن این واژه و مطالعات علمی و کاربری آن به صورت فعلی، این مفهوم و کارکردهای آن در طول زندگی اجتماعی بشر با وی همراه بوده و تصمیم‌گیری‌های اساسی جوامع بشری به ویژه حاکمان و فرمانروایان و سیاستمداران را تحت تأثیر قرار داده است. اولین امپراتوری‌های جهان نظیر هخامنشیان و بعدها ساسانیان دارای تمایلاتی جهان‌گرا بوده‌اند و در رقابت با دشمنان خود اشکال اولیه‌ی دیدگاه ژئوپلیتیک را ارائه کرده‌اند. (مویر، ۱۳۷۹: ۳۶۵؛ مجتهد زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۵-۱۴۴).

^۲ - بربر اصطلاح رایج در منابع آن دوران می‌باشد و اینجا بدون هرگونه ارزش داوری از این اصطلاح استفاده می‌شود.

^۳ - در اواخر قرن نوزدهم فردیناند فون ریشتوفن (Ferdinand Von Richthofen) جغرافی‌دان و زمین‌شناس آلمانی در توصیف جاده‌های بازرگانی میان چین، آسیای مرکزی و اروپا، برای اولین بار اصطلاح جاده ابریشم را به کار برد.



منابع

- آمین مارسلن، (۱۳۱۰) جنگ شاپور ذوالاکتاف با یولیانوس امپراطور روم، ترجمه محمدصادق اتابکی، بی‌جا: خورشید
- آلت‌هایم، فرانتس، (۱۳۶۹) کمک‌های اقتصادی در دوران باستان، ترجمه امیر هوشنگ امینی، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی
- ایسرائل، ژرار، (۱۳۹۱) کوروش بزرگ، چاپ دوازدهم، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس
- بیکرمان، الیا ژوزف، (۱۳۸۹)، دوره سلوکی، گردآوری احسان یارشاطر، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ج ۳، قسمت ۱، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ۱۲۱-۱۰۱
- پاتس، دی تی، (۱۳۹۳)، باستان‌شناسی و تاریخ اولیه خلیج فارس، ویراستار لارنس جی پاتر، تاریخ خلیج فارس از قدیم‌ترین دوران تا کنون، ترجمه محمد آقاجری، تهران: ققنوس، ۹۳-۵۱
- پروکوپیوس، (۱۳۸۲) جنگ‌های ایران و روم، چاپ چهارم، ترجمه محمد سعیدی، تهران: علمی و فرهنگی
- پیگولفسکایا، نینا، (۱۳۹۱) ایران و بیزانس در سده‌های ششم و هفتم میلادی، چاپ اول، ترجمه کامبیز میر بهاء، تهران: ققنوس
- پیغمبری، حمیدرضا، (۱۳۹۳) جغرافیای تاریخی سرزمین‌های حوزه خلیج فارس در هزاره سوم ق.م، رساله‌ی دکتری، دانشگاه تهران
- تقی زاده، سید حسن، (۱۳۸۹) از پرویز تا چنگیز، چاپ اول، تهران: نیلوفرانه
- جان آبروی و دیگران، آرتور، (۱۳۸۸) میراث ایران، چاپ سوم، ترجمه احمد بیرشک و دیگران، تهران: علمی و فرهنگی
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود، (۱۳۷۱) اخبار الطوال، چاپ چهارم، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: نی
- رضا، عنایت‌الله، (۱۳۷۶): نقش ایران در جاده ابریشم تا پایان عهد ساسانی، ایران شناخت، شماره ۵، تهران: ۲۱۱-۱۹۸
- زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۹) دو قرن سکوت، چاپ بیست و دوم، تهران: سخن
- سفر و مصطفی، فواد و محمدعلی، (۱۳۷۶) هترا شهر خورشید (گزارش کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی و بازسازی آثار معماری شهر حضر)، چاپ اول، ترجمه نادر کریمیان سردشتی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور
- شاپور شهبازی، علیرضا، (۱۳۸۹) تاریخ ساسانیان، چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی

- شپیمان، کلاوس، (۱۳۹۰) مبانی تاریخ ساسانیان، چاپ سوم، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: فرزانه روز

- طبری، محمد بن جریر، (۱۳۷۵) تاریخ طبری، ج ۲، چاپ پنجم، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر
- فرقانی، محمد فاروق، (۱۳۷۷): تاریخچه ابریشم در ایران، کتاب ماه و جغرافیا، شماره ۱۶، تهران: ۲۶-۲۱
- گیبون، ادوارد، (۱۳۷۰) انحطاط و سقوط امپراتوری روم، ج ۱ و ۲، چاپ دوم، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی

- لوکونین، ولادیمیر گریگوریویچ، (۱۳۸۹)، نهادهای سیاسی، اجتماعی و اداری: مالیات‌ها و دادوستد، گردآوری احسان یارشاطر، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ج ۳، قسمت ۲، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر، ۱۴۸-۷۱

- لاپیدوس، آیرا ماروین، (۱۳۹۴) تاریخ جوامع اسلامی، چاپ سوم، ترجمه علی بختیاری، تهران: اطلاعات
- میکئل، آندره، (۱۳۸۱) اسلام و تمدن اسلامی، ج ۱، چاپ اول، ترجمه حسن فروغی، تهران: سمت
- مجتهد زاده، پیروز، (۱۳۹۴) جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، چاپ هفتم، تهران: سمت
- مویر، ریچارد، (۱۳۷۶) درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر و سید یحیی صفوی، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح

- ولسکی، یوزف، (۱۳۸۶) شاهنشاهی اشکانی، چاپ سوم، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس
- وینتر و دیگناس، انگلبرت و بناته، (۱۳۸۷) روم و ایران دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی، چاپ دوم، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: فرزانه روز
- ویزهوفر، یوزف، (۱۳۹۲) امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن، چاپ اول، ترجمه هوشنگ صادقی و خشایار بهاری، تهران: فرزانه روز

-Baramki, D.C, (1975) An Ancient Caravan Station in Dubai, Illustrated London News, No2903, London

-Bird, H.w, (1976) Diocletian and the Deaths of Carus, Numerian and Carinus, Latomus, No 35, Bruxelles: 123-132

-Bouchier, E. S, (1921)A Short History of Antioch 300 B.C-A.D 1268, London: Basil Blackwell

-Dodgeon and Lieu, M and S, (1991)The Roman Eastern Frontier and the Persian Wars AD 226-363, New York: A Documentary History (AD 226-363)

-Edwell, Peter M, (2008)Between Rome and Persia: the middle Euphrates-Mesopotamia and Palmyra under Roman control, London and New York: Routledge

-Greatrex, Geoffrey, (1993)The two fifth-century wars between Rome and Persia, *Florilegium*, 12, Toronto: 1-14. Retrieved from <https://journals.lib.unb.ca/index.php/flor/article/view/19317>

-Greatrex and Lieu, G and S, (2002)The Roman Eastern Frontier and the Persian Wars, Vol 2, London and New York: Routledge

-Herodian, (1970)HISTORY OF THE EMPIRE, Vol 2, trans C.R.Whitaker, London: the Loab Classical Library

-Huyse, Philip, (1999)Die dreisprachige Inschrift Sabuhr 1 an der Kaba-I Zardust(SKZ), London: School Oriental and African Studies

-Kervran and Hiebert, M and F, (1991)Sohar pre-Islamique note stratigraphique Golf-Archaologie Mesopotamien Iran-Kuwait-Bahrain-Vereinigte Arabische Emirate und Oman, Germany: M. L. Leidorf

-Maksymiuk, Katarzyna, (2015)Geography of Roman-iranian wars, Poland: University Siedlce

-Manandian, Hakob.A, (1965)The trade and cities of Armenia in relation to ancient world trade, Lisbon: Bertand

-Vasiliev, Alexander Alexandrovich, (1952)History of the Byzantine Empire, Vol 1, Translated by Mrs S. Ragozin, Madison: University of Wisconsin

